



نگاه فرهنگی به اصول و ضوابط اخلاقی در رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری ۱۴۰۳

نسبت اخلاق با سیاست به‌عنوان یکی از موضوعات اساسی فلسفه سیاسی همواره مورد توجه اندیشمندان و فلاسفه بوده و نظریات مختلفی دربارهٔ رابطهٔ آنها بیان شده است. برخی از این نظریات بر پایه ترجیح و اهمیت سیاست (سه آموزه تفکیک سیاست از اخلاق، تبعیت اخلاق از سیاست و دوگانگی اخلاق و سیاست) یا یگانگی و وحدت اخلاق و سیاست هستند. پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به‌عنوان مردمی‌ترین انقلاب در تاریخ سیاسی جهان و تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران، تبلور یگانگی دین و سیاست در عرصه عمل بود. بی‌شک اخلاق سیاسی و انتخاباتی در جامعه‌ای که به یگانگی سیاست و اخلاق متعهد و پایبند است، بسیار متفاوت از جامعه‌ای است که به ترجیح و تقدم سیاست باور دارد و نهادهای سیاسی و اجتماعی آن نیز بر همین مبنا شکل گرفته است. پژوهش پیش رو تلاش دارد تا ضمن توضیح رابطه سیاست و اخلاق به بررسی نسبت این دو مقوله در نظام جمهوری اسلامی ایران بپردازد و اصول و ضوابط اخلاقی مدنظر رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) در رقابت‌های انتخاباتی را بیان و توصیه‌هایی را در این زمینه به نامزدهای انتخاباتی ارائه کند. مقاله به نویسندگی «حسن کریمی‌فرد» در سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در خرداد ۱۴۰۳ منتشر شده است.

خلاصه مدیریتی

بیان / شرح مسئله

در پی سانحه تلخ سقوط بالگرد در تاریخ ۳۰ اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۳، آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران اسلامی و هیئت همراه به شهادت رسیدند. مطابق اصل (۱۳۱) قانون اساسی در صورت فوت، عزل، استعفا، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس‌جمهور باید شورایی متشکل از رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه و معاون اول رئیس‌جمهور ترتیبی دهند که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز رئیس‌جمهور جدید انتخاب شود. بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) در مراسم سی‌وپنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) و تأکید معظم‌له بر اینکه در رقابت‌های پیش‌روی انتخاباتی بین نامزدها، اخلاق حاکم باشد تا با مشارکت گسترده مردم، حماسه انتخابات مکمل حماسه بدرقه شهیدان شود، ضرورت توجه و پرداختن به بحث نسبت اخلاق، سیاست و اخلاق انتخاباتی را در این مقطع زمانی واجد اهمیت مضاعف کرده است.

یافته‌های کلیدی

موضوع نسبت اخلاق با سیاست یکی از موضوعات اساسی فلسفه سیاسی است که در همه دوره‌های تاریخی مورد توجه بوده است و اندیشمندان و فلاسفه بسیاری تلاش کرده‌اند تا به تبیین سازگاری یا ناسازگاری این دو مقوله با هم بپردازند. نکته حائز اهمیت آن است که اعتقاد به چگونگی رابطه اخلاق و سیاست تعیین‌کننده نوع

کنش و سیاست‌ورزی مسئولان و مردم در یک جامعه است. در باب رابطه اخلاق و سیاست، چهار آموزه عمده وجود دارد که عبارتند از:

جدایی اخلاق از سیاست: مدعای اصلی این آموزه آن است که باید میان قواعد اخلاق و الزامات سیاست تفاوت قائل شد و براساس واقعیت و با در نظر گرفتن منافع و مصالح دست به اقدام سیاسی زد. براساس این رویکرد توجه به اخلاق در سیاست به شکست در عرصه سیاست منجر می‌شود. مهم‌ترین شارح این رویکرد، نیکولا ماکیاوولی بود که اگرچه اخلاق را لازمه زندگی افراد می‌دانست، اما پایبندی به آن را برای دولتمردان خطرناک می‌دانست.

تبعیت اخلاق از سیاست: براساس این نظریه، اخلاق تابع بی‌قید و شرط سیاست و عمل انقلابی است و ارزش خود را از آن می‌گیرد. حال آنکه خود عمل انقلابی و سیاست به توجیه اخلاقی نیاز ندارد و عین اخلاق و فضیلت دانسته می‌شود. این رویکرد، نه تنها اصالتی برای اخلاق قائل نمی‌شود، بلکه بر این انگاره اصرار دارد که اخلاق از منافع مبارزه طبقاتی به دست می‌آید. آنتونیو گرامشی، لنین و لئون تروتسکی نظریاتی دارند که بسیار نزدیک به اخلاق اقتدارمنشانه و نظریه تبعیت اخلاق از سیاست است.

نظریه دوسطحی اخلاق و سیاست: براساس نظریه دوسطحی اخلاق و سیاست آموزه‌ها و اصول اخلاقی باید در دو سطح بررسی شوند: در سطح فردی، رفتارها و اقدامات بر پایه معیارهای مطلق اخلاقی سنجیده می‌شوند، اما در سطح جمعی اقدامات براساس مصالح و منافع ملی است. لذا آنچه در سطح فردی، اخلاقی است نمی‌تواند در سطح اجتماعی، اخلاقی در نظر گرفته شود. ذیل همین نگرش است که ماکس وبر دوگانه اخلاق مسئولیت و اخلاق اعتقاد و مرد سیاستمدار و مرد اخلاق را مطرح می‌سازد.

به‌طور کلی سه نظریه فوق را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد: نظام‌سازی برای رابطه اخلاق و سیاست، خارج از حوزه دین و مفهوم خدا و بر پایه انسان‌محوری، نسبی‌گرایی و مادی‌گرایی صورت می‌گیرد.

نظریه یگانگی اخلاق و سیاست: براساس نظریه یگانگی، نمی‌توان مرز قاطعی میان سیاست و اخلاق قائل شد و هریک را به حوزه خاص منحصر و محصور ساخت. فرد در حیطه زندگی شخصی، همان فرد در عرصه زندگی اجتماعی است. در نظریه یگانگی و وحدت هم روش سیاسی و هم غایت سیاست باید اخلاقی باشد.

نظام جمهوری اسلامی ایران براساس اعتقاد به یگانگی و وحدت اخلاق و سیاست شکل گرفته و سیاست اسلامی به دو بُعد مادی و معنوی انسان توجه دارد و حاکم اسلامی در راستای شکوفایی هر دو بُعد از حیات انسانی باید تلاش کند. از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) تمام اسلام، سیاسی است. یعنی احکام، اخلاق و عقاید که سه بخش تشکیل‌دهنده دین هستند، سیاسی‌اند و تقویت اخلاق، تقویت سیاست و تقویت سیاست، تقویت اخلاق را به‌عهده دارد، بنابراین اخلاق و سیاست از منظر امام، رابطه‌ای هم‌افزا دارند. از این منظر رعایت اخلاق در انتخابات از آشکارترین جلوه‌های سیاست اخلاقی و سیاست اخلاقی میدان عملی شدن بسیاری از ارزش‌ها و فضایل اخلاق اجتماعی است.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به‌عنوان بالاترین مقام معنوی- سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران در انتخابات مختلف نسبت به تبیین اصول و چارچوب رقابت اخلاقی و شایسته، ویژگی‌های نامزدهای اصلح، وظایف مردم و نامزدها و ... اهتمام ویژه داشته‌اند. بررسی بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی مؤید آن است که معظم‌له همیشه توصیه‌هایی به نامزدها مبنی بر سلامت تبلیغات، صداقت، وحدت و انسجام ملی، عدم استفاده از بیت‌المال و هزینه‌های زیاد، امیدآفرینی و امکان‌پذیری برنامه‌ها داشته‌اند.

عدم توجه نامزدهای انتخاباتی به اصول و ضوابط اخلاقی در رقابت‌ها می‌تواند موجبات ناامیدی مردم از مسئولین، احتمال ایجاد تنش‌های اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی نظام سیاسی و تهییج دشمنان به بهره‌گیری از اختلافات در راستای فشار به کشور را پدید آورد و فرایند انتخابات را از یک عامل نشاط‌آفرین اجتماعی به یک عامل تهدیدزا تبدیل کند.

پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

با توجه به اینکه در نظام جمهوری اسلامی ایران بر یگانگی سیاست و اخلاق تأکید می‌شود، ضرورت دارد از روش‌ها و رویکردهای غیراخلاقی برای پیروزی در انتخابات احتراز شود. به‌ویژه آنکه استفاده نامزدها از شیوه‌های تخریبی می‌تواند موجب رویگردانی مردم از حضور در انتخابات شود.

رقابت سالم و انتخاب آگاهانه شهروندان در گرو بیان و اعلام صادقانه برنامه‌های انتخاباتی از سوی کاندیداها و احزاب سیاسی است. ضرورت دارد نامزدهای انتخابات با آگاهی از مقدرات و محذورات و سنجش صحیح توانایی‌ها مبادرت به اعلام برنامه‌های خود کنند و به وعده‌های داده شده، پایبند و متعهد باشد. البته یکی از مهم‌ترین ضمانت اجرای وعده‌های نامزدها افکار عمومی است؛ چراکه بالا رفتن آگاهی سیاسی شهروندان و حضور فعال آنان در عرصه انتخابات فضای تبلیغاتی را به‌جای رواج وعده‌های نامعقول به میدان ارزیابی برنامه‌ها بدل می‌کند.

تأکید بر رأی‌دهی برمبنای تفاوت‌های فرهنگی منجر به از بین رفتن رأی‌دهی آگاهانه، امیدواری کاذب، تضعیف هویت ملی و تسهیل مداخله بیگانگان خواهد شد. بنابراین نامزدهای انتخابات باید تلاش کنند در رقابت‌ها و تبلیغات انتخاباتی وحدت ملی خدشه‌دار نشود، از تضعیف آداب و رسوم، اسطوره‌ها و زبان رسمی اجتناب کنند و از توهین و بی‌احترامی به ارزش‌های فرهنگی اقوام مختلف خودداری کنند.

هزینه‌های سرسام‌آور تبلیغاتی و اتکای بیش‌ازحد به عامل پول در انتخابات قطعاً در تعارض با فلسفه تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران (که بر پایه ارتباط وثیق اخلاق، سیاست، دوری از اسراف و تبذیر بنا نهاده شده است) می‌باشد؛ به‌ویژه آنکه انتخابات ریاست‌جمهوری در سطح ملی انجام می‌شود و نامزدها از طریق رسانه‌ها به‌صورت برابر می‌توانند با تمامی مردم ارتباط برقرار کنند.

بزرگ‌نمایی مشکلات و القای بن‌بست، ناامیدی و یأس توسط احزاب و نامزدها در فرایند انتخابات می‌تواند روحیه خودباوری ملی و تحول را در جامعه از بین ببرد. بنابراین ضرورت دارد احزاب و نامزدها با امیدآفرینی، زمینه را برای مشارکت مردم در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و تمایل آنها به اثربخشی، پیشرفت و تحول را افزایش دهند.